

اهل سنت روایت به



امام باقر علیه السلام



- ابن عساکر دمشقی (۵۷۱ ق.) دودمان
امام را این گونه بیان می کند: محمد بن علی
بن الحسین بن علی بن ابیطالب بن عبد
المطلب بن هاشم بن عبد مناف.^۱
کنیه ایشان ابو جعفر می باشد.^۲
لقب ایشان علوی، فاطمی، مدنی،
قرشی، هاشمی،^۳ شاکر، هادی^۴ و باقر
می باشد. که باقر، مشهورترین آن است.^۵
باقر، لقبی است که تجلی قدرت و
مرجعیت علمی امام بوده و مورد توجه خاص
اهل سنت قرار گرفته که به برخی از آنها
اشاره می شود:
۱. راغب اصفهانی (۵۶۵ ق.): «سُمِّيَ
محمد بن علی رضی الله عنه باقراً لِتَوْسُعِهِ
فی دقائق العلوم»^۶
۲. ابو زکریا محی الدین نووی (۷۶۶ ق.):
«سُمِّيَ الباقر لانه بَقَرَ العلم و دَخَلَ فيه
مدخلاً بليغاً و وصل منه غاية مرضية»^۷
۳. ابن خلکان (۸۱۱ ق.): «انما قيل له
الباقر لانه تَبَقَّر في العلم أئى توسّع، و التبَقَّر:
التوسّع»^۸
۴. شمس الدین ذهبی (۷۴۸ ق.): «شُهِرَ
ابو جعفر بالباقر مِنْ بَقَر العلم اى شَقَّه فَعَرَفَ
أصله و خَفَّيْه»^۹
۵. ابن کثیر دمشقی (۷۷۴ ق.): «سُمِّيَ
الباقر لبقره العلوم و استنباطه الحكم»^{۱۰}
۶. فیروز آبادی (۸۱۷ ق.): «الباقر محمد
بن علی بن الحسین، لِتَبَقَّرِهِ في العلم»^{۱۱}
- ولی با این حال برخی دیگر، لقب امام
باقر را به گونه ای دیگر تفسیر کرده اند،

چنانچه سبط بن جوزی (۵۴۶ق.) می‌گوید:
«انما سُمِّيَ الباقر من كثرة سجوده، من بَقَرَ
السجود جِبْهَتَهُ اى فتحها ووسعها»^{۱۳}
ظاهراً و با توجه به عبادات بسیار امام باقر
این احتمال نیز بعید نمی‌باشد و می‌توان لقب
باقر را به هر دو معنا تفسیر نمود.

لازم به ذکر است: لقب باقر و تفسیر آن
به «شکافنده علوم»، ریشه در کلام پیامبر به
جابر بن عبد الله انصاری دارد. جابر می‌گوید:
«قال لى رسول الله يوشك أن تبقى حتى
تلقى ولدأ لى من الحسين، يقال له محمد،
يَبْقُرُ العلمَ فإذا لَقِيَتْهُ فَقَرَأْ مِنْى
السَّلام»^{۱۴} ایشان روز سه شنبه سوم ماه
صفر در مدینه به دنیا آمدند^{۱۵} اما در سال
ولادت ایشان اختلاف وجود دارد، برخی
می‌گویند در سال ۵۶ هجری^{۱۶} و برخی سال
۵۷ را سال ولادت ایشان می‌دانند.^{۱۷}

پدر بزرگوار ایشان حضرت علی بن
حسین امام سجاد و مادر ایشان ام عبدالله
دختر امام حسن مجتبی می‌باشد.^{۱۸} لذا درباره
ایشان گفته‌اند: محمد بن علی اولین هاشمی
و علوی است که از دو هاشمی و علوی به
دنیا آمده؛ یعنی پدر و مادر وی هر دو هاشمی
و علوی می‌باشند^{۱۹}. به اصطلاح «سید دو
شرفه» می‌باشد.

گفتنی است: طبق گزارشهای اهل سنت
امام باقر در واقعه کربلا سه سال^{۲۰} یا طبق
نقلی چهار سال^{۲۱} داشته‌اند.

ایشان در دوران یزید بن عبد الملك^{۲۲} و
در نقل دیگری هشام ابن عبد الملك^{۲۳} در
ماه ربیع الثانی^{۲۴} و در نقل دیگر ماه صفر^{۲۵}
در محلی به نام «حُمَیمَه»^{۲۶} به شهادت
رسیده و ایشان را در قبرستان بقیع کنار پدر و
عموی بزرگوارشان (امام سجاد و امام حسن)
به خاک سپرده‌اند.^{۲۷}

قول شاذ دیگری وفات ایشان را در کوفه
دانسته‌اند.^{۲۸}
در سن امام هنگام وفات و سال وفات
ایشان اختلاف است.

سیوطی (۹۱۱ ق.) به نقل از واقدی
(۲۰۷ ق.) می‌گوید: امام در سن ۷۳ سالگی
رحلت کرده‌اند.^{۲۹}
مسعودی (۳۴۶ ق.) نیز می‌گوید: امام در
سن ۵۷ سالگی رحلت نموده‌اند.^{۳۰} برخی
دیگر ۶۳ سالگی را سن وفات ایشان
دانسته‌اند.

اما امام صادق (ع) می‌فرماید: پدر من در
حالی که ۵۸ سال داشته، رحلت کرده‌اند.^{۳۱} که
اکثر اهل سنت این قول را پذیرفته‌اند.

اکثر اهل سنت سال شهادت امام را
۱۱۴ ق. دانسته^{۳۲} ولی برخی دیگر شهادت
ایشان را ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸،
۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵،
۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱،

باشد که در آن نماز می‌خواندند.^{۴۰}

پیرامون اولاد ایشان ابن حزم اندلسی (۴۵۶ق.) چنین می‌گوید: اولاد ایشان عبدالله، ابراهیم، علی و جعفر (امام صادق) می‌باشد که ابراهیم و علی اولادی نداشته و فقط عبدالله صاحب فرزندی به نام حمزه شده که آن نیز فوت کرد. وی همان عبدالله افطح می‌باشد (صاحب فرقة فطحیه) و فقط نسل امام باقر از جعفر بن محمد ادامه پیدا کرد.^{۴۱}

امام باقر از نظر «طبقات رجال حدیث» اولاً از تابعین بوده، چنانکه نسائی امام را از فقهای تابعین از اهل مدینه بر می‌شمارد^{۴۲} و ثانیاً از طبقه سوم می‌باشند^{۴۳}. ولی برخی ایشان را جزء طبقه چهارم می‌دانند.^{۴۴}

جایگاه علمی و حدیثی ایشان نزد اهل سنت بسیار بالا بوده، به گونه‌ای که تمامی صحاح ششگانه (صحیح بخاری، صحیح مسلم، جامع الصحیح ترمذی، سنن ابوداود، سنن نسائی، سنن ابن ماجه) و مسانید و تفاسیر روایی و ماثور و کتب فقهی اهل تسنن از ایشان حدیث نقل کرده‌اند.

مثلاً مسلم در کتاب خود در ابواب وضو، نماز، حج، ذبائح، جهاد و بعضی از مسائل متفرقه و بخاری در کتاب خویش در مباحث کیفیت نماز و غسل، از امام باقر حدیث نقل کرده‌اند.^{۴۵}

البته با توجه به جایگاه علمی امام و

دانشگاه بزرگ امام باقر و تربیت شاگردان و راویان بسیار از اهل سنت که بزرگ‌ترین آن ابوحنیفه بوده، جای بسیار شگفتی است که بخاری و مسلم احادیث محدودی از ایشان نقل می‌کنند!

ذهبی و مزّی (۷۴۲ق.) در کتاب‌های خود می‌نویسند: محمد بن علی (امام باقر) از بزرگان بسیاری حدیث نقل کرده: از پیامبر، امام علی، امام حسن و امام حسین، امام سجّاد، عبدالله بن عباس، ام سلمه، عایشه، عبدالله بن عمر، جابر بن عبدالله انصاری، ابو سعید خدری، سعید بن مسیب، انس بن مالک، ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن جعفر، سمره بن جندب، عبید الله بن ابی رافع، عطاء بن یسار و محمد بن علی بن حنفیه.

بسیاری از بزرگان نیز از جمله: فرزند گرامی ایشان جعفر بن محمد (امام صادق)، ابان بن تغلب کوفی، ابیض بن ابان، بسام صیرفی، ابو حمزه ثمالی، جابر بن یزید جعفی، حجاج بن ارطاة، سلیمان اعمش، ابن شهاب زهّری، حکم بن عتّیه و... از ایشان حدیث نقل کرده‌اند.^{۴۶}

گفتنی است: شمار کسانی که از امام باقر حدیث نقل کرده، غیر از تعداد راویان یاد شده می‌باشد؛ چرا که در بررسی‌های انجام شده بیش از ۶۰ راوی و ملازم امام باقر وجود داشته که از ایشان احادیث فراوانی نقل

کرده‌اند؛ ولی به خاطر شیعه بودن آنها، ذهبی و مزّی و امثال این دو، نامی از این راویان به میان نیاورده‌اند و از طرف دیگر ابن حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان این ۶۰ نفر را در زمره ضَعْفَا شمرده و علّت ضعف آنها را نیز شیعه بودن آنها برشمرده است.^{۴۷}

همچنین ابن سعد (۲۳۰ ق.) در طبقات خود در مقام تحقیر امام و کسانی که از امام روایت نقل می‌کنند، می‌گوید: «و لیس یزوی عنه من یُحتَجُّ به.»^{۴۸} این در حالی است که ابن کثیر می‌گوید: «و قد روی عن غیر واحد من الصحابة و حدّث عنهم جماعة منهم جماعة من كبار التابعین و غیرهم.»^{۴۹}

همچنین بسیاری از بزرگانی که به احادیث آنان احتجاج می‌شود، از جمله: زُهری، حکم بن عُیَیْنَه^{۵۰} و... از امام روایت نقل می‌کنند، همچنین ابوحنیفه امام فرقه حنفی، از امام باقر به گواهی بزرگان اهل سنت بسیار حدیث نقل کرده است.^{۵۱}

در کلام بزرگان

۱. سلمة بن کُھَیْل (۱۲۱ ق.) در تفسیر آیه «لَا یَاتِ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» (حجر / ۵۷)، می‌گوید: «کان ابو جعفر منهم.»^{۵۲}
۲. سیوطی می‌گوید: «زُهری (۱۲۳ ق.) و دیگران ایشان را توثیق کرده‌اند.»^{۵۳}
۳. محمد بن منکدر (۱۳۰ ق.): «ما رأیتُ احداً یفضل علی علی بن الحسین حتّی

رأیتُ ابنه محمداً أَرَدْتُ یوماً أَنْ اعظه فو عظنی!»^{۵۴}

۴. مالک بن اعین جُھَنی (۱۴۸ ق.):

إذا طلب الناس القرآنا

کان القریش علیہ عیالاً

و ان قام ابن بنت النبی

تلفت یداه فروعاً طوالاً

نجوم تهلل المداحین

جبال تورث علماً و جبالاً^{۵۵}

۵. سفیان بن عُیَیْنَه (۱۹۸ ق.) عن جعفر

الصادق قال: «حدّثنی ابی و کان خیر

محمداً یومئذ علی وجه الارض.»^{۵۶}

۶. عبد الله بن عطاء (از راویان قرن

دوم): «ما رأیتُ العلماء منه احد اصغر علماً

عند ابی جعفر لقد رأیتُ الحکم عنده کانه

مُتعلّم.»^{۵۷} سبط بن جوزی در ادامه می‌گوید:

«لقد رأیتُ الحکم عنده کان عصفور مغلوب

یعنی بالحکم الحکم بن عُیَیْنَه و کان عالماً

نبیلاً جلیلاً فی زمانه.»^{۵۸}

در تکمیل گفتار ابن جوزی باید گفت

حَکَم بن عُیَیْنَه (۱۱۵ ق.) یکی از دانشمندان

بزرگ درکوفه و عراق به شمار می‌رفت. ذهبی

درباره وی می‌گوید: «الامام الکبیر، عالم اهل

کوفه» در جای دیگر، عجلّی می‌گوید: «کان

الحکم ثقة ثبتاً فقیهاً من کبار اصحاب ابراهیم

نخعی و کان صاحب سنة و اتباع»^{۵۹} حکم

بن عُیَیْنَه با این موقعیت بالای علمی مغلوب

امام شده که به تعبیر ابن جوزی: همانند



گنجشک، مغلوب امام می‌شد.

۷. قال ابو هريرة العجلي احمد بن

الحسين (از شعرای قرن دوم):

ابا جعفر انت الولی احبه

و ارضی بما ترضی و اتابع

اتنتا رجال يحملون علیکم

احادیث قد ضاقت بهن الاضالع

احادیث افشاها المنيرة فيهم

و شر الامور المحدثات البدائع^{۶۰}

۸. محمد بن سعد (۳۳۰ ق.): «كان ثقة

كثير الحديث...»^{۶۱}

۹. احمد بن حنبل (۲۴۱ ق.): «ابو جعفر

محمد بن علی بن الحسين ثقة قول

الحديث...»^{۶۲}

۱۰. محمد بن اسماعیل بخاری (۲۵۴ ق.)

نیز در کتاب خود «التاریخ الکبیر» نام ایشان

را آورده و این، نشانگر اهمیت داشتن امام

می‌باشد.^{۶۳}

۱۱. زبیر بن بکار، قاضی و عالم مکه

(۲۵۶ ق.): كان يقال لمحمد: «باقر العلم...»^{۶۴}

۱۲. احمد بن عبدالله عجلای (۲۶۱ ق.):

«هو مدنی تابعی ثقة...»^{۶۵}

۱۳. احمد بن عبد الله بن عبد الرحيم

البرقي (۲۷۰ ق.): «قال: مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ بَنِ

الحسين، محمد بن علي بن حسين ابو

جعفر... و كان فقيهاً فاضلاً قد روى عنه...»^{۶۶}

۱۴. ابن قتيبة دینوری (۲۷۶ ق.): «محمد

بن علي كان يكنى ابا جعفر وكان له فقه...»^{۶۷}

۱۵. عمرو بن ابي عاصم ضحاک شیبانی

(۲۸۷ ق.)، یکی از راویان و فقیهان قدیمی و

بزرگ اهل سنت (۲۸۷ ق.): «الباقر تابعی

ثقة»^{۶۸}

۱۶. ابو حاتم رازی (۳۲۷ ق.) در مقدمه

کتاب «الجرح و التعديل» خود، تمام تابعین را

«ثقه» دانسته و امام را نیز که از تابعین

می‌باشند، در این کتاب می‌آورد.^{۶۹}

۱۷. ابن حبان بستی (۳۵۴ ق.) نیز در کتاب

«الثقات» نام ایشان را می‌آورد.^{۷۰} در جای

دیگر می‌گوید: «من افاضل اهل البيت و

قرائهم...»^{۷۱}

۱۸. ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ ق.): «محمد

بن علي الباقر و منهم (اولياء) الحاضر

الذاكر الخاشع الصابر ابو جعفر محمد بن

علي الباقر كان من سلالة النبوة و ممن جمع

حسب الدين و الابوة تكلم في العوارض و

الخطرات و سفح الدموع و العبرات و نهى

عن المراء و الخصومات...»^{۷۲}

۱۹. ابو اسحاق شیرازی (۴۷۶ ق.): امام

باقر را یکی از تابعین و فقهای بنام مدینه

برمی‌شمارد.^{۷۳}

۲۰. ابوالفرج محمد ابن جوزی (۵۹۷ ق.)

نیز در کتاب خود که در آن به معرفی

شخصیت‌های برگزیده و نامی تاریخ

می‌پردازد، از امام در بخش تابعین مدینه به

بزرگی یاد می‌کند.^{۷۴}

۲۱. محمد بن طلحة الشافعی (۶۵۲ ق.):

«باقر العلم جامعه و شاهر علمه و رافعه و متفوق درّه و راضعه و منق دره و راضعه صفا قلبه و زكا عمله و طهرت نفسه و شرفت اخلاقه و عمرت بطاعة الله تعالى اوقاته و رسخت في مقام التقوى قدمه و ظهرت عليه سمات الازدلاف و طهارة الاجتباء...»^{۷۵}

۲۲. سبط بن جوزی (۵۴۴ق.): «محمد من الطبقة الثالثة من التابعين من اهل المدينة كان عالماً عابداً ثقة روى عنه الاثمة الحنفية وغيره.»^{۷۶}

۲۳. ابو زكريا محي الدين بن شرف نووی دمشقی (۶۷۶ق.): «و هو تابعي جليل امام بارع مجمع على جلالة معدود في فقهاء المدينة و ائمتهم.»^{۷۷}

۲۴. شمس الدين ابن خلکان (۶۸۱ق.): «ابو جعفر محمد بن زين العابدين على بن الحسين بن علي بن ابيطالب. الملقب بالباقر احد الاثمة الاثنى عشر في اعتقاد الامامية و هو والد جعفر الصادق.. كان الباقر عالماً سيّداً كبيراً...»^{۷۸}

وی به نقل از شاعری در وصف امام چنین می‌سراید:
یا باقر العلم لاهل التقی

و خیر من لبتی علی الاجبل

۲۵. ابو عبد الله محمد بن احمد بن عبد الیهادی دمشقی صالحی (۷۴۴ق.): «محمد بن علی بن الحسین الامام الثبت الهاشمی

العلوی المدنی، أحد الأعلام... و كان سیّد بنی هاشم فی زمانه...»^{۷۹}

۲۶. ذهبی (۷۴۸ق.): «ابو جعفر الباقر سیّد بنی هاشم فی زمانه... و كان أحد من جمع العلم و الفقه و الشرف و الدیانة و الثقة و السؤود و كان يصلح للخلافة و هو أحد الاثنی عشر الذين تعتقد الرافضة عصمتهم و...»^{۸۰}

در جای دیگر می‌گوید: «و كان أحد من جمع بین العلم و العمل و السؤود و الشرف و الثقة و الرزانة (متانت) و كان اهلاً للخلافة و هو أحد أئمة الاثنی عشر الذين تُبجلهم الشيعة الامامية و تقول بعصمتهم و بمعرفتهم بجميع الدين ... و لقد كان ابو جعفر اماماً مجتهداً تالياً للكتاب الله، كبير الشأن، و نخبه فی الله، لما تجمع فيه من صفات الكمال.»^{۸۱}

همچنین در فرازهای دیگر، امام را این گونه توصیف می‌کند: «كان من فقهاء المدينة»؛^{۸۲} «ابو جعفر الباقر سیّد امام فقیه يصلح للامامة...»؛^{۸۳} «الامام الثبت الهاشمی العلوی المدنی احد الاعلام و كان سیّد بنی هاشم فی زمانه و اشتهر بالباقر من قولهم بقر العلم یعنی شقّه...»^{۸۴}

۲۷. علاء الدین مغطای (۷۶۲ق.): «و لعمری ان ابا جعفر لمن العلماء الکبار.»^{۸۵}
۲۸. صفّی (۷۶۴ق.): «ابو جعفر الباقر سیّد بنی هاشم فی وقته... و كان احد من جمع العلم و الفقه و الدیانة و الثقة و

السُّود و كان يصلح للخلافة و هو أحد
الأئمة الاثنى عشر الذين يعتقد الرافضة
عصمتهم»^{٨٦}

٢٩. يافعى (٧٦٨ق.): «ابو جعفر الباقر أحد
الأئمة الاثنى عشر فى اعتقاد الامامية و هو
والد جعفر الصادق لُقِّبَ بالباقر لانه بقر العلم
اى شقّه و توسع منه»^{٨٧}

٣٠. ابن كثير دمشقى (٧٧٤ق.): «هو
تابعى جليل، كبير القدر كثيراً أحد اعلام هذه
الامة علماً و عملاً و سيادة و شرفاً و هو احد
من تدعى منه طائفة الشيعة انه أحد الأئمة
الاثنى عشر، و لم يكن الرجل على طريقهم
و لا على من والهم و لا يدين بما وقع فى
أذهانهم و أوهامهم و خيالهم بل كان ممن
يقدم ابابكر و عمر، و ذلك عنده صحيح فى
الاثر و قال ايضاً ما أدركتُ أحداً من أهل
بيتى إلّا و هو يتولاهما رضى الله عنهما...»
در جای دیگر در معزفى ایشان مى گوید:

«ابو جعفر محمد بن على بن الحسين بن
على بن ابيطالب كان ابوه على بن
زين العابدين و جده الحسين قتل شهديين
بالعراق و سُمِّيَ الباقر لبقرة العلوم و
استنباطه الحكم كان ذاكرًا خاشعاً صابراً و
كان من سلالة النبوة رفيع النسب عالى
الحسب و كان عارفاً بالخطرات كثير البكاء
و العبرات معرضاً عن الجدال و
الخصومات»^{٨٨}

٣١. ابن حجر هيئى (٨٠٧ق.): «محمد
الباقر سُمِّيَ بذلك من بقر الأرض أى شقّها

و آثار مخبأها و مكانها فلذلك هو أظهر
من مخبآت كنوز المعارف و حقائق الأحكام
و الحكم و اللطائف ما لا يخفى الآ على
منظمس البصيرة أو فاسد الطوية و السريرة
و من ثم قيل فيه هو باقر العلم و جامعه و
شاهر علمه و رافعه صفى قلبه و زكى عمله
و طهرت نفسه و شرف خلقه و عمرت
اوقاته بطاعة الله و له من الرسوم فى
مقامات العارفين ما تكلّ عنه السنة
الواصفين و له كلمات كثيرة فى السلوك و
المعارف لا تحتملها هذه العجالة»^{٨٩}

٣٢. ابن حجر عسقلانى (٨٥٢ق.):
«ابو جعفر الباقر ثقة فاضل من الزابعة مات
سنة بضع عشر»^{٩٠}

٣٣. ابن صباغ مالكى (٨٥٥ ق.): «قال
بعض أهل العلم محمد بن على بن الحسين
الباقر و هو باقر العلم و جامعه و شاهره و
رافعه و متوفى درّه و راصعه صفى قلبه و
زكى عمله و طهرت نفسه و شرفت أخلاقه
و عمرت بطاعة الله تعالى و رسخ فى مقام
التقوى قدمه و ميثاقه»^{٩١}

٣٤. ابن تغرى (٨٧٤ق.): «محمد الباقر
الهاشمى العلوى سيّد بنى هاشم فى زمانه و
هو احد الأئمة الاثنى عشر الذين تعتقد
الرافضة عصمتهم»^{٩٢}

٣٥. شمس الدين ابن طولون، موزخ
دمشقى (٩٥٣ق.): «كان الباقر عالماً سيّداً
كبيراً... و كان عمره يوم قتل جدّه الحسين
ثلاث سنين... و أمّه أم عبد الله بنت الحسن

بن علی و توقی فی ربيع الآخر سنة ثلاث عشرة و مئة بالخميمة و نقل الى المدينة و دفن بالبقیع»^{۹۳}

۳۶. شیخ حسین بن محمد الدیار بکری (۹۶۶ق.): «مات فی سنة اربع عشرة و مائه الامام ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین العلوی الباقر الفقیه و له ثمان و خمسون سنة»^{۹۴}

۳۷. ابن عماد شهاب الدین حنبلی دمشقی (۱۰۸۹ق.): «وكان من فقهاء المدينة و هو أحد الاثمة الاثنی عشر علی اعتقاد الامامية و له كلام نافع فی الحكم و المواعظ...»^{۹۵}

۳۸. محمد بن عبد الباقي بن یوسف زرقانی (۱۱۲۲ق.): «الباقر لانه بقر العلم أی شقّه فعرف أصله و خفيّه ثقة فاضل تابعی»^{۹۶}

در جای دیگر می گوید: «محمد الباقر بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب الهاشمی الثقة الفاضل من سادات آل البيت»^{۹۷}

۳۹. زبیدی (۱۲۰۵ق.): «والباقر لقب الامام ابي عبد الله و ابي جعفر محمد بن الامام علی زين العابدين بن الحسین بن علی، فهو أول هاشمی ولد من هاشميين علوی من علويين»^{۹۸}

۴۰. شیخ یوسف بن اسماعیل النبهانی بیروتی (۱۳۵۰ق.): «محمد الباقر أحد اثمة ساداتنا آل البيت الكرام و أوحده أعيان

العلماء الأعلام...»^{۹۹}

۴۱. ابو علی مبارکفوری، شارح صحیح مسلم (۱۳۵۳ق.): «محمد بن علی بن حسین ابي جعفر الباقر ثقة فاضل»^{۱۰۰}
همچنین در دو جای دیگر از امام تعبیر به «ثقة فاضل» می کند.^{۱۰۱}

۴۲. شریف علی الحسین فکری القاهری (۱۳۷۲ق.): «هو ابن سيدنا علی زين العابدين بن الحسين، فهو هاشمی من هاشميين و علوی من علويين»^{۱۰۲}

۴۳. عادل نویهض: «خامس الاثمة الاثنی عشر فی اعتقاد الامامية و هو والد الامام جعفر الصادق كان عالماً نبیلاً و سيداً جليلاً له فی العلم و تفسير القرآن آراء و اقوال... و كان عمره يوم قتل جدّه الحسين ثلاث سنوآت...»^{۱۰۳}

۴۴. دکتر عبد المعطی قلمچی: «ابو جعفر متفق علی توثيقه»^{۱۰۴}

۴۵. دکتر وصی الله بن محمد عباس: «ابو جعفر الباقر تابعی ثقة»^{۱۰۵}

۴۶. الامام العلامة الحافظ صفی الدین احمد بن عبد الله خزرجی: «ابو جعفر المدني الامام المعروف بالباقر» و توثیقات سایر علما را نیز متذکر می شود.^{۱۰۶}

۴۷. دکتر علی محمد جماز، استاد دانشگاه و مسئول علوم حدیث دانشگاه قطر: «ابو جعفر الباقر، ثقة فاضل، كثير الحديث من فقهاء اهل المدينة من التابعين»^{۱۰۷}

۴۸. خیر الدین زرکلی: «ابو جعفر الباقر

خامس الاثمة الاثنى عشر عند الامامية كان ناسكاً عابداً له في العلم و تفسير القرآن آراء و اقوال»^{١٠٨}

٤٩. سيد عباس ملكي: «محمد بن علي الباقر أحد الاثمة الاثنى عشر عند الامامية و كان عالماً سيّداً كبيراً... اما معجزات الباقر و فضائله لا تحصر...»^{١٠٩}

٥٠. شيخ احمد بن يوسف بن احمد بن سنان الدمشقي، شهير به قرماني: «كان خليفة ابيه من بين اخوته و وصيه و القائم بالامامية من بعده»^{١١٠}

٥١. محمد خواجه پارساي بخاري: «من ائمة اهل البيت ابو جعفر محمد الباقر سُمي بذلك لانه بقر العلم أي شقه فعرف اصله و علم خفيه و الباقر أول علوي ولد من علويين و هو تابعي جليل امام بارع متجمع على جلالته و كماله»^{١١١}

٥٢. شيخ مصطفى رشدي بن شيخ اسماعيل دمشقي: «الامام محمد الباقر كان عظيم القدر بنيه الذكر لم يظهر عن أحد في عصره ما ظهر عنه من علم الدين و الآثار و السنة و العلم بالله تعالى روي عنه ائمة التابعين و اكابر علماء الدين»^{١١٢}

٥٣. استاذ متاع بن خليل القطان: «هو أحد الاثمة الاثنى عشر من اعتقاد الامامية و والد جعفر الصادق و كان عالماً سيّداً كبيراً»^{١١٣}

٥٤. الشيخ ابو الفوز محمد بن امين البغدادي السويري: «و كان خليفة ابيه من

بين إخوته و وصيه و القائم بالامر من بعده و كان معتدل القامة.... و لم يظهر عن أحد من أولاد الحسين من علم الدين و السنن و علم السير و فنون الأدب ما ظهر عن ابي جعفر الباقر... و مناقبه كثيرة لا يسعها مثل هذا الموضع...»^{١١٤}

٥٥. محمد بن داود بن محمد البازلي الشافعي: «ابو جعفر الهاشمي المدني المعروف بمحمد الباقر هو ابن زين العابدين ثقة فاضل كبير»^{١١٥}

٥٦. كرماني: «هو تابعي جليل القدر»^{١١٦}
٥٧. هادي حمّو: «فهو بقر العلم بقرأ و أظهر مخبآت و أسرار و ورث علم النبوة عن آباءه و أجداده فكان مقصد العلماء من كلّ صقع من الشيعة أو أهل السنة... و في عصر الباقر تسقمت الحياة الفكرية بالمسلمين و نشط علماء الكلام و كثر الجدل بين المعتزلة و غيرهم في صفات الله و ماهية الروح و كان للباقر رأي في ذلك كلّ غير أنّه كان لا يشجع البحث في ذات الله تعالى شأنه في ذلك شأن علماء السلف عموماً في اعتبار أنّ ذلك خارج عن طاقة العقل و شارك المعتزلة في آرائهم التنزيهية و ابعاد الجسميّة عن الله تعالى لما روي أنّه سئل عن تفسير غضب الله فقال: المقصود به عقابه و ليس غضبه كغضب البشر. و كان اقتصار الباقر على الامامة الروحيّة و اقباله على علم الحديث...»^{١١٧}

٥٨. شيخ محمد خضر حسين، شيخ

الجامع الأزهر: «و هو معدود في صفة المحدثين الصادقين فيما يروون... و كان محمد الباقر معدوداً من كبار الفقهاء... و تلقى عن الباقر الحديث جماعة من اكابر ائمة الحديث مثل الامام الزهري و الامام الأوزاعي و ابن جريج و عمر بن دينار، و الباقر بعد منزلة الفقه و العلم منزلة فاتقة في الفضل و الاجتهاد في العبادة و الدعوة الى الله... و للباقر مواعظ بالغة و حكم رائعة... و محمد الباقر هو الامام الخامس من الاثمة الاثنى عشر الذين هم موضع عقيدة الشيعة الامامية و بهذا سمو الاثنى عشرية و هؤلاء الاثمة هم علي بن ابيطالب و الحسن و الحسين و علي بن زين العابدين و محمد الباقر و جعفر الصادق و موسى الكاظم و علي الرضا و محمد الجواد و علي الهادي و الحسن بن علي العسكري و محمد بن الحسن العسكري و هذا الأخير في مذهب الشيعة هو المهدي المنتظر و هناك طائفة من الشيعة يقال لهم الباقرية يقولون الامامة انتقلت من علي بن ابيطالب و أولاده إلى محمد الباقر انتهت الامامة عنده و أنه لم يمت و لكنه غائب و هو مهدي المنتظر. و اهل السنة يعتقدون في هؤلاء الاثمة العلم و التقوى و لكنهم لا يعتقدون كما يعتقد بعض الفرق أنهم معصومون عن جميع الذنوب و سائر النقائص ما يتبع هذا من الآراء»^{١١٨}

٥٩. شيخ محي الدين ابن العربي الحاتمي الطائي: «محمد بن علي باقر العلوم و شخص

العالم و المعلوم ناطقة الوجود نسخة الموجود ضرغام اجام المعارف المنكشف لكل كاشف الحياة السارية في المجاري النور المنبسطة على الدّاراي حافظ معارج اليقين وارث علوم المرسلين حقيقة الحقائق الظهورية دقيقة الدقائق النورية الفلك الجارية في اللّجج الغامرة و المحيط علمه بالزّبر الغابرة النبأ العظيم الصراط المستقيم المستند من كلّ وليّ ابي جعفر محمد بن علي»^{١١٩}

٦٠. محمد شمس الحق عظيم آبادي، يکی از شارحان بنام سُنَن ابي داود امام باقر عليه السلام را يکی از مجتهدين و مؤثرترین عالم و فقيه در اوائل قرن اول بر می شمارد.^{١٢٠}

نتیجه

آنچه که از میان اقوال و دیدگاه‌های گوناگون اهل تسنن پیرامون امام باقر عليه السلام مطرح شده، ایشان یکی از شخصیت‌های بی‌نظیر و برجسته علمی، فقهی، اخلاقی و اجتماعی بوده و طبق سخن هادی حمّو: «امام عليه السلام امامت و هدایت روحی و معنوی جامعه را به دست گرفته بود.» که این نکته در کلام بسیاری از بزرگان اهل سنت از جمله شمس الدین ذهبی نمایان است. ذهبی امام را به خاطر جایگاه والای علمی، اخلاقی و اجتماعی و تدبیر و دوراندیشی و نیز جمع و تجلّی تمامی صفات برتر در امام، وی را مستحق امامت و زعامت امر مسلمین دانسته



و می گوید: «و كان أحد من جمع علم و الفقه و الشرف و الديانة و الثقة و السؤود... و اماماً، مجتهداً، تالياً لكتاب الله كبير الشأن... يصلح للخلافة»^{۱۲۱}، هچنین می گوید: «و كان اهلاً للخلافة»^{۱۲۲} و در جای دیگر می گوید: «ابو جعفر الباقر سيّد، امام، فقيه، يصلح للامامة»^{۱۲۳}

پی نوشت ها:

۱. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۰۹.
۲. شمس الدین ذهبی، المقتنی فی سرد الکنی، ج ۱، ص ۱۳۸؛ تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۱۱ و ۲۳۰؛ تاریخ خلیفه بن خیاط (۲۴۰ ق.)، ص ۲۲۶؛ محمد بن احمد دولابی (۵۳۲هـ)، الکنی و الاسماء، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ابن قتیبة دینوری، المعارف، ص ۲۱۵؛ شمس الدین محمد بن عبدالله قیسی دمشقی، توضیح المشنبه، ج ۱، ص ۳۲۹.
۳. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱.
۴. ابن کثیر دمشقی، البداية و النهایة، ج ۹، ص ۳۲۱؛ مزی، تهذیب الکمال، ج ۱۷، ص ۷۳.
۵. سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۴۶؛ بدخشی، مفتاح النجاة، ص ۱۶۴؛ شبلنجی (۱۲۹۰ ق.)، نورالابصار، ص ۱۹۲.
۶. همان.
۷. معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۷.
۸. شرح النووی علی صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۳۷.
۹. وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.
۱۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲؛ تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۴۶۳؛ العیبر فی اخبار من عیبر، ج ۱، ص ۱۰۹.
۱۱. البداية و النهایة، ج ۹، ص ۳۲۱.
۱۲. قاموس المحيط، ج ۱، ص ۵۰۴.
۱۳. تذکرة الخواص، ص ۳۴۶.
۱۴. شیخ مصطفیٰ رُشدی دمشقی، الروضة الندية، ص ۱۶.
۱۵. وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴؛ ابن صباغ مالکی،

- الفصول المهمة، ص ۱۹۳؛ نورالابصار، ص ۱۹۳.
۱۶. تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۱۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱؛ العیبر، ج ۱، ص ۱۰۹؛ محمد بن اسماعیل صنعانی (۱۱۸۲ ق.)، سُبل السلام، ج ۲، ص ۸۰.
 ۱۷. وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴؛ نورالابصار، ص ۱۹۳؛ الفصول المهمة، ص ۱۹۳.
 ۱۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱؛ وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.
 ۱۹. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۳۵۲؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۶، ص ۱۰۵.
 ۲۰. وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴؛ شیخ زین الدین ابن الوردی (۷۴۹ ق.)، تاریخ ابی الفداء، ج ۱، ص ۴۴۸؛ نور الابصار، ص ۱۹۳؛ فصول المهمة، ص ۱۹۳؛ ابن طولون دمشقی، الائمة الاثنی عشر، ص ۸۱.
 ۲۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.
 ۲۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۶۶؛ ابن عماد، شذرات الذهب، ج ۲، ص ۷۳.
 ۲۳. تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۳۲؛ ابن مسکویه (۵۴۲۱)، تجارب الامم، ج ۲، ص ۴۴۰.
 ۲۴. الائمة الاثنی عشر، ص ۸۱.
 ۲۵. وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.
 ۲۶. «حمیمه» مکانی است که در دوران بنی امیه برای علی بن عباس و اولاد وی بوده است. (ر.ک: الائمة الاثنی عشر، ص ۸۱).
 ۲۷. وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۱۰۳؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۶۶؛ شذرات الذهب، ج ۵۷، ص ۲۳۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱؛ تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۳۲.
 ۲۸. تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۳۱.
 ۲۹. طبقات الحفاظ، ص ۵۶؛ تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۱۳.
 ۳۰. مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۶۳.
 ۳۱. تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۱۳؛ محمد بن اسماعیل بخاری، تاریخ الاوسط، ج ۱، ص ۴۱۸؛ تاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۱۸۳؛ تمیمی، کتاب المیخن، ص ۱۰۱؛ دُول الاسلام، ج ۱، ص ۱۰۳.
 ۳۲. تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۳۰؛ الکامل فی التاريخ، ج ۵، ص ۱۸۰؛ ديار بکری، تاریخ الحمیس،

ج ٢، ص ٣١٩؛ تاريخ الكبير، ج ١، ص ١٨٣؛ تاريخ
الوسط، ج ١، ص ٤١٨ و ٤٢١؛ باغی، مرآة الجنان،
ج ١، ص ١٩٤؛ تاريخ الاسلام، ج ٤، ص ٣٥٩؛ دُول
الاسلام، ج ١، ص ١٥٣؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ٤،
ص ٦٢٨؛ صفة الصفوة، ج ١، ص ٣٩٧؛ ابو عبد الله
مصعب زبیری، نسب قریش، ص ٥٤؛ سير اعلام
النبل، ج ٤، ص ٤٥١؛ البیروج، ص ١٥٩؛ شذرات
الذهب، ج ٢، ص ٧٣؛ طبقات الحفاظ، ص ٥٦.
٣٣. وفیات الاعیان، ج ٤، ص ١٧٤؛ الائمة الاثنی
عشر، ص ٨١.
٣٤. تاريخ دمشق، ج ٥٧، ص ٢٣١؛ البداية والنهاية،
ج ٩، ص ٣٢١.
٣٥. تاريخ دمشق، ج ٥٧، ص ٢٣٢.
٣٦. مروج الذهب، ج ٣، ص ٢٦٦؛ تاريخ دمشق، ج
٥٧، ص ٢٣٢؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ٢١٥؛
داوودی، طبقات المفسرين، ج ٢، ص ١٩٩؛ ابن
صَبَّان مَالِکِي، اسعاف الراغبين، ص ٢٥٤؛ شَبَل
الاسلام، ج ٢، ص ٨٥؛ شيخ يوسف نبهاني، جامع
کرامات الاولیاء، ج ١، ص ١٦٤.
٣٧. تاريخ خليفة ابن خياط، ص ٢٢٦؛ خليفة ابن
خياط، كتاب الطبقات، ص ٢٥٥.
٣٨. تجارب الامم، ج ٢، ص ٤٤٠.
٣٩. تاريخ دمشق، ج ٥٧، ص ٢٣٢.
٤٠. نورالانصار، ص ١٩٥؛ تاريخ ابی الفداء، ج ١، ص
٢٤٨؛ اسعاف الراغبين، ص ٢٥٤؛ عبدالرحمن اربلي،
خلاصة الذهب المسبوك، ص ٤٠.
٤١. ابی محمد ابن حزم اندلسی، جمهرة انساب
العرب، ص ٥٩.
٤٢. دار القطنی (٣٨٥ق)، ذکر اسماء التابعين، ج ٢،
ص ٢٢٩؛ تاريخ دمشق، ج ٥٧، ص ٢١٧؛ طبقات
الحفاظ، ص ٥٦.
٤٣. طبقات الكبرى، ج ٥، ص ٣٢٥؛ صفة الصفوة، ج
١، ص ٣٩٧؛ شمس الدين ذهبی، المعین فی طبقات
المحدثين، ص ٦٩؛ خليفة ابن خياط، كتاب الطبقات،
ص ٢٥٥؛ سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٥١.
٤٤. طبقات الحفاظ، ص ٥٦، ابن حجر عسقلانی،
تقريب التهذيب، ج ٢، ص ١٩٢.
٤٥. ابن منجويه اصفهانی (٤٢٨ق)، رجال صحيح
مسلم، ج ٢، ص ٥٣؛ ابو نصر بخاری کلاباذی

(٣٩٨هـ)؛ رجال صحيح بخاری، ج ٢، ص ٥٢٧؛ صفوة
عبدالفتاح محمود، المغنی فی معرفة الرجال
الصحيحين، ص ٢٢٤؛ ابو المعاسنِ علوی حسینی،
التذكرة، ج ٣، ص ١٥٦٨؛ ابی الفضل محمد بن طاهر
بن علی المقدسی، الجمع بين الرجال الصحيحين، ج
٢، ص ٤٤٦.
٤٦. سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٥١؛ تهذيب الكمال،
ج ١٧، ص ٧٣ و ٧٤.
٤٧. لسان الميزان، ج ١، ص ٤٩ و ٥٣ و ٦٩ و ١١٥ و
١١١ و ١١٢ و ٤٢٤ و ٤٦٩ و ٢٦٨ و ٣٧٧ و ٣٨١ و
٣٨٦ و ٤٤٧ و ٤٧٨ و ٤٨٣، ج ٢، ص ١٥ و ٢٥ و ٢٣ و
٢٤ و ٢٧ و ٣٤ و ٣٩ و ٤٠ و ٤١ و ٤٦ و ٤٩ و ٥٦ و ٥٧
و ٧٢ و ٨٩ و ٩٥ و ١٠٦ و ١١٤ و ١٦٠ و ١٦٧ و ١٧٩ و
١٨١ و ١٨٢ و ١٨٩ و ٢٠٩ و ٢١٦ و ٢٣٧ و ٢٧٢ و
٢٧٦ و ٢٧٩ و ٤٤١ و ٤٧٣، ج ٣، ص ٦ و ٣٢١ و ٤٤١،
ج ٤، ص ٤٦٢، ج ٥، ص ١٥٥، ج ٦، ص ٦، ج ٧، ص
٢٦٨ و ٢٧٣ و ٢٨١ و ٤٥٨.
٤٨. الطبقات الكبرى، ج ٥، ص ٣٢٤.
٤٩. البداية والنهاية، ج ٩، ص ٣٢١.
٥٠. بنا به اقوال دیگر: حکم بن عُتْبِه و عُتْبِه.
٥١. رک: تذكرة الاولیاء، ص ٣٤٧؛ ابی الحسنات
محمد عبدالحي الکنونی الهندی (١٣٥٤ق)، الرفع و
التکميل فی الجرح و التعديل، ص ١٩.
٥٢. مختصر تاريخ دمشق، ج ٢٣، ص ٧٩؛ تاريخ
دمشق، ج ٥٧، ص ٢١٨.
٥٣. طبقات الحفاظ، ص ٥٦.
٥٤. تهذيب التهذيب، ج ٩، ص ٣١٣؛ اکمال تهذيب
الکمال، ج ١٥، ص ٢٨٢.
٥٥. تاريخ دمشق، ج ٥٧، ص ٢١٢.
٥٦. البداية والنهاية، ج ٩، ص ٣٢١؛ تهذيب الکمال،
ج ٧، ص ٧٤.
٥٧. تاريخ دمشق، ج ٥٧، ص ٢١٧؛ شذرات الذهب،
ج ٢، ص ٧٢؛ مرآة الجنان، ج ١، ص ١٩٥؛ حلیة
الاولیاء، ج ٣، ص ١٨٦؛ البداية والنهاية، ج ٩، ص
٣٢٣.
٥٨. تذكرة الخواص، ص ٣٤٧.
٥٩. سير اعلام النبلاء، ج ٥، ص ٢٥٨ و ٢٥٩.
٦٠. ملحقات احقاق الحق، ج ٢٨، ص ٢٩٣.
٦١. تاريخ دمشق، ج ٥٧، ص ٢١٢؛ طبقات الكبرى،



- ج ۵، ص ۳۲۴ و ۲۴۶.
۶۲. موسوعة اقوال احمد بن حنبل في رجال الحديث، ج ۳، ص ۲۹۵؛ الجامع في العلل، ج ۱، ص ۴۷، شماره ۳۶۱.
۶۳. التاريخ الكبير، ج ۱، ص ۱۸۳.
۶۴. تهذيب التهذيب، ج ۹، ص ۳۵۲.
۶۵. تاريخ الثقات، ص ۴۱۰؛ معرفة الثقات عجلي، ج ۲، ص ۲۴۹؛ البداية والنهاية، ج ۹، ص ۳۲۱؛ تهذيب الكمال، ج ۱۷، ص ۷۴.
۶۶. تاريخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۱۲؛ تهذيب الكمال، ج ۱۷، ص ۷۴.
۶۷. المعارف، ص ۲۱۵.
۶۸. السنة ابن ابي عاصم، ج ۲، ص ۴۵۴.
۶۹. الجرح والتعديل، ج ۱، ص ۲۶.
۷۰. كتاب الثقات، ج ۵، ص ۳۴۸.
۷۱. مشاهير علماء و الابصار، ص ۱۰۳.
۷۲. حلية الاولياء، ج ۳، ص ۱۸۰.
۷۳. طبقات الفقهاء، ص ۴۹.
۷۴. صفة الصفوة، ج ۴، ص ۳۹۷.
۷۵. مطالب السؤل، ص ۸۰.
۷۶. تذكرة الخواص، ص ۳۴۷.
۷۷. تهذيب الاسماء و اللغات، ج ۱، ص ۱۰۳.
۷۸. وفيات الاعيان، ج ۴، ص ۱۷۴.
۷۹. طبقات علماء الحديث، ج ۱۰، ص ۱۹۹.
۸۰. تاريخ الاسلام حوادث (۱۰۱ - ۱۲۰ ق.)، ص ۴۶۳.
۸۱. سير اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲.
۸۲. العبر، ج ۱، ص ۱۰۹.
۸۳. سير اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۲۰.
۸۴. تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۹۳ و ۹۴.
۸۵. الكمال تهذيب الكمال، ج ۱۰، ص ۲۸۲.
۸۶. الوافي بالوفيات، ج ۴، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.
۸۷. مرآة الجنان، ج ۱، ص ۱۹۴.
۸۸. البداية والنهاية، ج ۹، ص ۳۲۱.
۸۹. صواعق المحرقة، ص ۱۲۰.
۹۰. تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۱۹۲.
۹۱. الفصول المهمة، ص ۱۹۲.
۹۲. النجوم الزاهرة، ج ۱، ص ۳۵۰.
۹۳. الامامة الاثنى عشر، ص ۸۱.
۹۴. تاريخ الخميس، ج ۲، ص ۳۱۹.
۹۵. شذرات الذهب، ج ۲، ص ۷۲.
۹۶. شرح زرقاني، ج ۱، ص ۳۳۳.
۹۷. همان، ج ۲، ص ۴۰۳.
۹۸. تاج العروس، ج ۶، ص ۱۰۵.
۹۹. جامع كرامات الاولياء، ج ۱، ص ۱۶۴.
۱۰۰. تحفة الاحوذى، ج ۳، ص ۴۳.
۱۰۱. همان، ج ۵، ص ۹۲ و ۳۴۵.
۱۰۲. احسن القصص، ج ۴، ص ۲۷۲.
۱۰۳. ذيل كتاب الوفيات، ابن قنفذ، ص ۱۱۰.
۱۰۴. عجلي، دليل تاريخ الثقات، ص ۴۱۰.
۱۰۵. الجامع، ص ۱۶۱.
۱۰۶. خلاصة تهذيب تهذيب الكمال، ج ۲، ص ۴۴۰.
۱۰۷. التعريف برواة مسند الشاميين، ص ۳۹۱.
۱۰۸. الاعلام، ج ۶، ص ۲۷۰ و ۲۷۱.
۱۰۹. نزهة الجليس و منية الاديب الانيس، ج ۲، ص ۲۳.
۱۱۰. اخبار الدول و آثار الاول، ص ۱۱۱، چاپ بغداد.
۱۱۱. فصل الخطاب به نقل از بتايع المودة، ص ۳۸۰.
۱۱۲. الروضة الندية، ص ۱۲.
۱۱۳. تاريخ التشريع الاسلامي، ص ۳۴۲.
۱۱۴. سبائك الذهب في معرفة قبائل العرب، ص ۳۲۹.
۱۱۵. غاية المرام، ص ۱۹۰.
۱۱۶. همان، ص ۱۹۰.
۱۱۷. اضواء على الشيعة، ص ۱۲۶.
۱۱۸. تراجم الرجال، ص ۲۹.
۱۱۹. المناقب، ص ۲۹۵.
۱۲۰. عون المعبود في شرح سنن ابي داود، ج ۱۱، ص ۲۶۶.
۱۲۱. تاريخ الاسلام، ج ۴، ص ۴۶۳.
۱۲۲. سير اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۲۰.
۱۲۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۲۰.